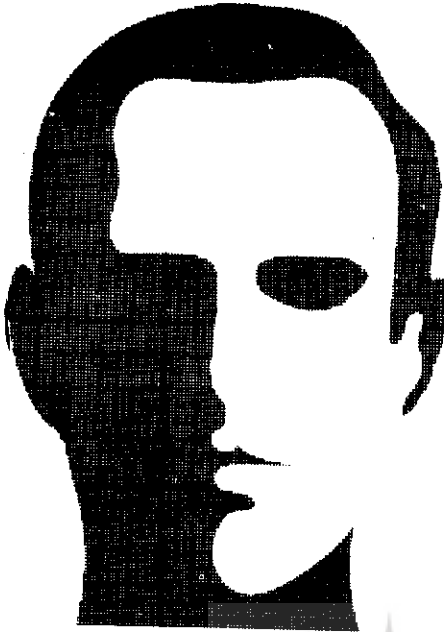


آثار تربیتی داستانهای قرآن

ج - الف



نقش

داستانهای قرآن در بازسازی انسان

تفاوت روشن داستانهای قرآن با داستانهای ساختگی

زندگانی مرگبار اقوام و ملل پیشین که از جهانی با وضع مستمع همانند است بسان داروی تلخ است که به صورت قرص همراه با لعاب شیرین به بیماران بد دوا، داده می شود. حدیث دیگران هرچه هم تلخ و زهرآگین باشد چون درباره دیگران است و لبه تیز آن متوجه شنونده نیست و واکنش حاد و تندی نخواهد داشت و محتویات داستان در هوش نهان و عقل باطن، نفوذ کرده و وجدانی روشن و ضمیری آگاه پدید می آورد.

آثار تربیتی داستانهای قرآن روی

داستانهای قرآن یکی از مباحث جالب و سازنده آن می باشد اگر انتقاد صریح و بازگوئی عیوب افراد در مواردی مفید و سازنده باشد ولی در مواردی نه تنها نتیجه بخش نیست بلکه نتیجه معکوس دارد، گروهی آن چنان از خودراضی هستند که هرگز رک گوئی را تحمل نمی کنند و زبان حال آنان این است که انتقاد خوب است اما از دیگران، برای راهنمایی این گروه که طبع سرکش دارند، و مزاجشان امرونی پذیر نیست، بهترین راه سخن گفتن طی " حدیث دیگران " است و تشریح

قرآن، از واقعیات تلخ و شیرین و از صمیم حقایق، سرچشمه می‌گیرد و محتویات آنها یک رشته واقعیاتی است که جامه لفظی و یا کتبی به تن کرده است.

اگر تاریخ بزرگترین آزمایشگاه زندگی باشد داستانهای راستین قرآن موثرترین و مطمئنترین لابراتوار زندگی است که ما را به نتایج قطعی کردار و رفتار ملل جهان آشنا می‌سازد.

ب - قرآن در نقل داستانهای خود اهداف عالی انسانی را تعقیب می‌کند و از این طریق می‌خواهد جامعه بشری را با عوامل فلاح و رستگاری و یا شقاوت و بدبختی آشنا سازد و این حقیقت از بررسی اجمالی داستانها به خوبی به دست می‌آید.

نخستین داستان قرآن از نظر قدمت زمان سرگذشت شیطان و استکف او از سجده بر آدم است نکات آموزنده این داستان بر کسی پوشیده نیست و آخرین داستان قرآن از نظر زمان سرگذشت، سپاه پیل است که حاوی نکات برجسته اجتماعی و اعتقادی می‌باشد و اگر یک داستان در قرآن به مناسبت‌هایی تکرار می‌شود به خاطر نکات تازه‌ایست که در تکرار وجود دارد و یا به خاطر مناسبتی است که ایجاب می‌نماید که بار دیگر آن سخن بازگو شود و در هر حال این کتاب آسمانی در طرح زندگی پیشینیان و یا بازگو نمودن مبارزه

جهاتی است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

x x x

الف - قهرمانان داستانهای قرآن مولود خیال و اندیشه و پندارکسی نیست که واقعیت نداشته باشد.

داستانهایی که امروزه به صورت "رمان" چاپ و منتشر می‌گردد در صورتی که مضر و گمراه کننده نباشد باز آثار تربیتی یک سرگذشت صد درصد طبیعی را ندارند، زیرا نوع خوانندگان از مصنوعی بودن داستان و خیال‌پردازی نویسندگان داستانها مطلع و آگاهند. هرچه هم نویسنده "رمان" کوشش کند که به گفتار خود رنگ طبیعی بخشد و سرگذشت و داستان را یک امر واقعی و پیراسته از دروغ و پندار جلوه دهد. باز سابقه ذهنی خواننده که غالب این داستانها واقعیت ندارد، اثر خود را به جا می‌گذارد.

قهرمانان این نوع داستانها به فرض این که افراد آلوده نباشند نمی‌توانند مدلهای و الگوهای خوبی برای افراد باشند زیرا انسان باور نمی‌کند که همه این صحنهها واقعیت داشته باشد بلکه تصور می‌کند که این همه شانسها و تصادفها، مولود خیال نویسنده بوده و از اندیشه پندار او سرچشمه می‌گیرد، در صورتی که داستانهای

از این کار به خدا پناه می‌برم. عزیز مصر بزرگ و صاحب ما است مرا گرامی داشته است ستمگران رستگاری نمی‌شوند.

۱- لفظ "راود" در لغت عرب درخواست اصرار آمیز را می‌گویند این لفظ حاکی است که همسر عزیز در درخواست خود بسیار مصر بوده است اما به خاطر عفت‌بیان از بازگویی موارد اصرار که همان کام‌گیری می‌باشد خودداری می‌کند.

۲- هرگز نام اصرار کننده را نمی‌برد و نمی‌گوید زلیخا و یا همسر عزیز از او درخواست مصرانه کرد بلکه او را با جمله "الَّتِي فِي بَيْتِهَا" معرفی می‌کند. بانویی که یوسف در خانه او بود و از این طریق تسلط اصرار کننده بر یوسف و این که او پیوسته در چنگال آن زن بوده است ترسیم می‌کند و سرانجام به استقامت فوق العاده یوسف اشاره می‌کند.

۳- جمله غلقت الابواب درها را بست ترسیم کننده خلوتگاه عشق است ولی نه به صورت صریح و آشکار.

۴- جمله قالت هیت لک بشتاب بسوی آنچه برای تو آماده شده است آخرین سخن است که بانویی برای رسیدن به وصال به یوسف می‌گوید اما چقدر سنگین و پرمناات بی‌آنکه در آن تحریک باشد.

و همچنین است دیگر جمله‌های این آیه و دیگر آیه‌های این سوره که در

پیامبران یک رشته اهداف انسانی و اجتماعی را تعقیب می‌کند که با انسداد توجهی روشن می‌گردد.

قرآن از طرح داستان‌های عشقی پلیسی و جنائی و... پرهیز می‌کند آنچنان عفت بیان دارد که اگر سخن به مسائل جنسی و عشقی برسد گفتنی‌ها را می‌گوید اما کوچکترین انحرافی از اصول عفت پیدا نمی‌کند.

نویسندگان حرفه‌ای ام‌روز می‌کوشند فصل‌مشبعی درباره زیبایی چهره، کجی ابرو، و سبیری سینه و قهرمان داستان سخن بگویند و در داستان‌های پلیسی و جنائی کوشش می‌شود که به طرف راه‌فرار از قانون و این که در دام پلیس نیفتند آموخته شود و جنایت خود را آن چنان لوٹ کند که اثری از آن باقی نماند حاشا که قرآن گرد این مباحث برود و در آن اشاره‌ای به بدآموزیها باشد.

دقت در مضمون آیه زیر مارا به منانت و عفت بیان قرآن آشنای سازد .
 وَ رَأَوْدَتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا
 وَ غَلَقَتْ الِابْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالِ مَعَادُ
 اللّٰهُ اِنَّ رَبِّيْ اَحْسَنُ مَوَاوِيْ اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ
 الظالمون .

بانویی که یوسف در خانه او بود از وی تقاضا و خواهش مصرانه کرد و تمام درها را بست و گفت بشتاب بسوی آنچه که برای تو مهیا شده است. یوسف گفت:

برادران یوسف پیراهن خون‌آلودوی را برای پدر آوردند و او از دیدن این منظره سخت متاثر گردید و آنچنان در دریای غم فرو رفت که بینائی خود را از دست داد.^۲ ولی بار دیگر پیراهن یوسف مایه بازگشت بینائی یعقوب گشت^۳ تو گوئی وسائل مادی جهان بسان سکه دو رویه است و اگر اهریمن صفتان از یک‌روی آن استفاده کنند اراده الهی اثر آن را خنثی ساخته و رویه دیگر آن را ظاهر می‌سازد.

-
- ۱- سوره یوسف آیه‌های ۵۴ و ۵۶
 ۲- سوره یوسف آیه ۸۴
 ۳- سوره یوسف آیه ۹۳
-

بقیه شیعیان شمر...

دعوت می‌شود تا درباره مسائل و مشکلات و راههای مقابله با آن بیندیشیم و اگر صاحب نظران و دانشمندان متعهد اسلامی در این راه ما را یاری دهند موجب کمال تشکر ما است و ما را در راه پیشبرد هدفهای دینی یاری خواهد داد. در این راه چشم ما بکمک فکری اندیشمندان شیعه ایرانی است.



تمام مواقع از متانت در بیان و عفت در سخن کاملا برخوردار است.

x x x

ج - سومین مزیت داستانهای قرآن که زیر بنای آثار تربیتی آن را تشکیل میدهد همان فزونی مایه‌های عبرت و درس‌های زندگی در سراسر داستان‌های آن است چه بسا در یک سرگذشت مانند داستان یوسف، چهل درس عبرت است که تنها به یک نکته اشاره می‌کنیم:

دقت در این سرگذشت ما را به یک اصل حساس که از هر نظر مایه اعتبار است رهبری می‌کند و روشن می‌سازد که اراده الهی بالاتر و برتر از تمام نقشه‌های شیطانی بشری است تا آنجا که خدا وسیله‌ای را که انسانی برای نابودی هم‌نوع خود فراهم می‌کند، وسیله ترقی او قرار میدهد.

برادران یوسف او را به چاه افکندند و او را به چند نفر هم فروختند ولی همین کار، پل پیروزی او گردید و سبب شد که در مهد عزت و در آغوش نعمت در میان قصرهای بزرگ عزیز مصر قرار گیرد. زلیخا او را متهم کرد و او را به زندان انداخت ولی همین زندان، برای او وسیله ترفیع مقام گردید سرانجام امین ملک افرغنه مصر شد.^۱